

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه ۱۱۹ دعای بیستم  
جلسه ۳۹۸ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۳/۱۰/۰۳



- نقش مسائل اقتصادی در حیات طیبه
- اهمیت قناعت از منظر امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- مسأله مباحث اقتصادی و اخلاق مرتبط با زیست اقتصادی
- اسراف؛ زیاده‌روی در بهره‌مندی از نعمت‌های الهی
- خدای متعال مسرفین را دوست نمی‌دارد
- پرهیز از اسراف، از آداب بندگی است
- مبحث تقدیر در رزق و تأثیر آن در زیست اقتصادی
- عیب ملی ما اسراف است
- اسراف گناه کبیره است
- اخلاق مصرف ما باید مطابق با قواعد الهی باشد
- رهبری؛ از تجلیات ویژه‌ی کوثر فاطمی در زمانه ما

در جبهه مقاومت باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردمعه

## نقش مسائل اقتصادی در حیات طیبه

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ  
آلِهِ، وَامْنَعْنِي مِنَ السَّرْفِ،  
وَ حَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ،  
وَ وَفِّرْ مَلَكَتِي بِالْبَرَكَهَةِ فِيهِ،  
وَ أَصِبْ بِي سَبِيلَ الْهَدَايَةِ  
لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقْتُ مِنْهُ.»

خاطر مبارکتان هست عرض  
کردیم در این بخش پایانی از  
دعای شریف مکارم الاخلاق  
نسبتاً توجه جدی شده به  
مسائل اقتصادی و جمع‌بندی  
هم این بود که نقش مسائل  
اقتصادی در حیات طیبه برای  
فرد و جامعه مؤمن جزء  
مسائل اساسی و سرنوشت‌ساز  
بود و تأثیر شگرفی بر مسائل  
فکری، مسائل اخلاقی، مسائل  
خانوادگی، روابط اجتماعی  
و تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر

«اللهم صل على فاطمة و  
ابنها و بعلها و بنیها بعدد  
ما احاط به علمک.»

جلسه ما مقارن با سالروز  
ولادت فرخنده حضرت  
صدیقه اطهر فاطمه زهراء  
(صلوات الله وسلامه علیها)  
تشکیل

می‌شود، جمعاً به محضر  
مولای مان بقیه الله الاعظم (اروا

حنافداه علیه الصلوٰة والسلام وعجل الله تعالی فرجه الش

ریف) تبریک عرض می‌کنیم و  
امیدواریم ان شاءالله به عنایت  
آن حضرت این ایام پرفروغ  
بر همه ارادتمندان اهل بیت  
(علیهم السلام) در میهن اسلامی و  
در اقصی نقاط عالم ان شاءالله  
مبارک باشد، اسباب گشایش  
در زندگی آحاد مؤمنین باشد  
و ان شاءالله اسباب گشایش در  
کار امت، در کار جامعه اسلامی  
به ویژه اسباب گشایش

ساختار شخصیتی انسان‌ها، تأثیر بسیار جدی در ساختار امت و جامعه اسلامی و نهایتاً تأثیر بسیار جدی در زیست ابدی انسان‌ها دارد. لذا موضوع اقتصاد و موضوع معیشت و اخلاق اقتصادی و مسائل اطرافش مسأله‌ی جدی‌ای است.

### اهمیت قناعت از منظر امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)

اهمیت فوق‌العاده‌ای است، به گونه‌ای که حضرت آن را مساوی می‌داند با حیات طیبه. شخص وقتی معنای حیات طیبه را می‌خواهد، حضرت می‌فرمایند قناعت قناعت کاملاً مربوط به زندگی اقتصادی است، در حالی که در حوزه معنویات قناعتی وجود ندارد، آن جا حرص توصیه می‌شود؛ در معنویات، در علم، در تحصیل فضائل اخلاقی، مکارم، کمالات، آن جا می‌گویند انسان مؤمن باید حریص باشد. قناعت مربوط می‌شود به بهره‌های مادی، کاملاً مربوط می‌شود به زیست مادی انسان در حوزه معیشت و بهره‌مندی‌های مادی. پس موضوع از این جهت حیاتی است.

یادتان هست یک بار به مناسبت همین، در چند جلسه قبل عرض کردیم وقتی که از امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة و السلام) در باره حیات طیبه سؤال کردند که حیات طیبه چیست، حضرت فوراً فرمودند قناعت. خیلی مطلب جالب است. در حالی که در نگاه اول حیات طیبه معنای بسیار فراخ و گسترده‌ای دارد اما در آن شاخص‌های حیات طیبه شما می‌بینید موضوع قناعت ضریب می‌گیرد، یعنی دارای

## مسئله مباحث اقتصادی و اخلاق مرتبط با زیست اقتصادی

خدایا من را از اسراف حفظ کن، عجب! «وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنْ التَّلْفِ» رزق من را از این که بخواهد تلف بشود نگهداری کن «وَوَفِّرْ مَلَكَتِي بِالْبِرْكَهْ فِيهِ» در دارایی‌های من وفور با برکت قرار بده، و این که من را هدایت کن که در آنچه که من هزینه می‌کنم و انفاق می‌کنم، انفاق من در امور شایسته باشد، یعنی هزینه که می‌کنم، هزینه‌های من در بهترین کارها در امور برقرار بگیرد. پس ببینید این فهرست کاملاً مربوط می‌شود به مسأله زندگی ما، زندگی جاری انسان‌ها و همان بخش اقتصاد.

### اسراف؛ زیاده‌روی در بهره‌مندی از نعمت‌های الهی

مطلب اول مسأله اسراف است که همان جمله اول است «وَأَمْتَعِنِي مِنَ السَّرْفِ»، البته مثل بسیاری دیگر از دعاهای

لذا تأکید در این بخش اخیر با این که موضوع، موضوع اخلاق است، مکارم الاخلاق است، این همه مطالبی که ما طی این جلسات طولانی عرض کردیم، تمام آن در این عرصه بوده است، با این حال می‌بینید مسأله مباحث اقتصادی و اخلاق مرتبط با زیست اقتصادی، این قدر اهمیت دارد که امام (علیه‌الصلوة والسلام) علاوه بر این که قبلاً هم به مناسبت نکته‌هایی را در این باره یادآوری فرموده بودند، در اواخر دعا یک سهم قابل توجهی را در ارتباط با این بخش قرار می‌دهند. این را من قبلاً اشاره کرده بودم. از جمله این دعایی است که ما امشب داریم می‌خوانیم.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِهِ، وَامْتَعِنِي مِنَ السَّرْفِ»

جا اسراف در این آیه کریمه معادل گناه است، انواع و اقسام گناه‌ها اسراف است، چرا؟ چون خروج از حدّ بندگی، از حدّ تقوا است، حدودی را که خدای متعال مشخص کرده شما وقتی از آن حدّ خارج می‌شوید تعبیر می‌شود به اسراف، چون تجاوز از حد الهی اتفاق افتاده است، خدای متعال گفته این جا باید توقف کنی، تو عبور می‌کنی. بنابراین انسان وقتی نگاهش از حد و مرز الهی تجاوز کرد می‌شود اسراف، حتی شنیدن آن می‌شود اسراف، اقدامش می‌شود اسراف، فرق نمی‌کند، در هر زمینه‌ای که باشد. یعنی کل عنوان عمومی محرمات الهیه و گناهان و ذنوب را این کلیدواژه اسراف پوشش می‌دهد. پس این‌جا فرمود «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا»

صحیفه مبارکه از جمله در همین دعای شریف مکارم الاخلاق ملاحظه فرمودید که همه این‌ها می‌رود ذیل صلوات بر محمد و آل محمد. بارها عرض کردیم این هم استمداد است، هم تمنّا است، هم تأسی است. یعنی اُسوه‌خواهی و اُسوه‌جویی است. می‌فرماید «وَ اَمْنَعِنِي مِنَ السَّرْفِ» درخواست من این است که من از اسراف منع بشوم، من را از ابتلاء به اسراف حفاظت کن، این مطلب اول است.

اسراف یک معنای وسیع دارد یک معنای خاص دارد، معنای وسیع آن می‌گویند یعنی هر نوع خروج از حدّی، اسم آن اسراف است. در قرآن کریم هم داریم «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذَّنُوبَ جَمِيعًا...» این

ظلم کردید، یعنی مرتکب گناه شدید، حالا به انواعه و اقسامه. حالا به آن‌ها چی بگو؟ بگو «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» شما از رحمت خدای متعال تحت هیچ شرایطی ناامید نشوید، حق ندارید ناامید بشوید، این خیلی بشارت بزرگی است. حق ندارید از رحمت الهی ناامید بشوید که خود این قنوط و ناامیدی از رحمت الهی از گناهان کبیره است. «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا»<sup>۳</sup> خدای متعال همه گناهان را می‌بخشد. یعنی اگر یک وقت خدای نخواستہ یک کسی در تصورش این باشد، یعنی در ذهنش این باشد که خدای متعال نمی‌بخشد، بدانید که خدای متعال او را نخواهد بخشید، چون این کأن دلالت التزامی‌اش این است که خدای متعال دستش بسته است،

عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ»<sup>۴</sup> که البته جزء آیات پُربشارت قرآن کریم است، این لا تقنطوا خطاب به بندگان، آن هم با تعبیر خیلی لطیف که «قُلْ يَا عِبَادِيَ». چند جا ما در قرآن کریم داریم که خدای متعال با همین کلیدواژه «عبادی» پیام‌هایش را فرستاده است. هفت جا است در قرآن کریم که با این تعبیر خدای متعال ارتباط خودش را با بنده‌ها مطرح می‌کند، خیلی تعبیر، تعبیر شیرینی است، می‌فرماید بندگان من. یعنی محیط آن خیلی محیط صمیمانه و دوستانه و پر از محبت و گرمی است. پس این جا یکی از آن مصادیق است، فرمود به آن‌ها خیر بده «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ» ای بندگان من نسبت به خودتان اسراف کردید، اسراف کردید یعنی



دارد؟ بله، ولی این‌ها هیچ کدام نافی اصل مسأله نیست. یک جمله‌ای امام سجاد (علیه‌الصلوة والسلام) در صحیفه دارد که خیلی دلبری می‌کند. صحیفه خیلی عجیب است. گمانم در دعای پنجم باشد، حضرت یک جمله عجیبی دارد. در آن محیط گرم و رابطه شیرینی که در آن جا برقرار شده است می‌گوید خدایا اگر بخواهی من را ببخشی به سلطنت تو آسیبی وارد می‌شود، من در آن صورت از تو می‌خواهم که به من صبر بدهی که عقوبت تو را تحمل کنم، خیلی چیز عجیبی است. خیلی عاشقانه است. آن وقت به من صبر بده. خب مگر تأثیری دارد برای خدای متعال. بنابراین این‌جا فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً» خدای متعال گناه‌ها را می‌بخشد، بنابراین هیچ کس در هیچ شرایطی حق

یعنی نمی‌تواند ببخشد، یا نمی‌خواهد ببخشد. نمی‌تواند که وامصیبتا، اصلاً نمی‌خواهد، آن هم همین‌طور است. این خلاف معرفی است که خدای متعال خودش را با صفت رحمت و غفاریت و لطف و کرامت خودش با آن وسعت مطرح کرده است. بنابراین «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً» این است. خدای متعال گناه همه گناهکاران عالم را علی‌الفرض که ببخشید، "بر دامن کبرایش منشیند گرد،" از سلطنت او چیزی کم نمی‌شود، مُلک خودش است، مُلک خودش است، مدعی هم وجود ندارد، کسی مدعی نیست که، خواست می‌بخشد، البته مغفرت الهی مثل هر موضوع دیگری قواعد خودش را دارد، به جای خودش محفوظ است، قواعدی دارد؟ بله، شروطی دارد؟ بله، مقدماتی

معنایش این نیست که حالا یک نفر را از طائفه شما کشتند، بخواهید شما بروید دو نفر یا ده نفر یا صد نفر را بکشید. «فَلَا يُسْرَفُ فِي الْقَتْلِ». البته این آیه کریمه یک معنای تأویلی هم دارد که مرتبط می‌شود با داستان اباعبدالله (علیه‌الصلوة والسلام)، آن تأویل است که در روایات ما هست، «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا» این مصداق اعظمش حضرت اباعبدالله (علیه‌السلام) است، «قتل مظلوماً» و پیش از او برادر ارجمندش و پیش از او مادر بزرگوارشان و پدر بزرگوارشان، این‌ها است. قتل‌شان این‌گونه است، منتها آن کسی که خیلی مظلومانه به شهادت رسیده اباعبدالله (علیه‌السلام) است. بعد آن جا دارد که ولی دم او بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه) است، و در این ماجرا او انتقام بزرگ را خواهد گرفت.

ندارد از خدای متعال ناامید بشود، این قاعده‌ای است که در این آیه کریمه است. اکنون این موضوع بحث من نیست، می‌خواستم بگویم این‌جا از چه کلیدواژه‌ای استفاده شد؟ «اسرفوا». اسرفوا این‌جا به معنای ظلموا علی انفسهم است که یعنی به خودشان ظلم کردند، ظلم به نفس چیست؟ خروج از حدود الهی است به انواع و اقسام آن، این معنای عام است.

یک جای دیگر هم به نظرم داریم که می‌فرماید «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرَفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا» اگر کسی مظلومانه کشته شد، ولی دم این‌جا از جانب خدای متعال اجازه دارد که قصاص کند، ولی بعد می‌گوید «فَلَا يُسْرَفُ فِي الْقَتْلِ» ولی این



«فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا».

در آن روایت این چنین از آن استشمام می‌شود که هرچه در این ماجرا ظالمین را قلع و قمع کند اسراف در قتل نیست. به خون‌بهای حسین (علیه‌الصلوة‌والسلام)، هر چه از این جنایتکاران را حضرت از دم تیغ بگذارند اسراف در قتل نیست. چون خون‌بهای اباعبدالله (علیه‌الصلوة‌والسلام) محو تمام وجوه ظلم و اعتداء از محیط عالم است. هر وقت همه‌اش محو شد انتقام گرفته شده است، وَالْإِنْتِقَامُ أَنْ خُونِ گرفته نشده و آن ثار بالای سر اُمت هست، انتقامش فقط وقتی گرفته می‌شود که هیچ اعتداء و ستم و ظلم و جنایتی در این عالم دیگر وجود ندارد. تمام ظالمین و ستمگران به عقوبت برسند. یعنی ان شاءالله در قیام بقیه‌الله الاعظم (ارواحنا فداه) اتفاق خواهد افتاد.

حالا غرض این جا باز آن کلمه «لایسرف» یعنی «لایعتدی» یعنی آن کسی که ولیّ دم است از آن حد عبور نکند و اندازه نگه دارد. غیر از این تعبیر تأویلی که ما به استناد آن روایت عرض کردیم که در جای خودش محفوظ است. توضیحاتی هم دارد که اکنون محل مباحثه ما نیست. این‌ها هم از آن تعبیر می‌شود به اسراف، ولی معنای خاص اسراف که هم در قرآن کریم است، هم در روایات کاربرد آن خیلی وسیع‌تر است، عبارت است از زیاده‌روی در بهره‌مندی از نعمت‌های الهی، به این معنا است. فرمود: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»<sup>۹</sup> فرمود من این سفره را برای شما انداختم، هم در آن برای شما مأكولات هست، هم مشروبات هست. البته مشروبات حلالش.

۵ آیه ۳۱ سوره مبارکه اعراف

سببی چیزی بود، این را یک مقداریش را خورد بعد بقیه‌اش را انداخت دور، اگر بدانید حضرت چه حالی شد؟ این یعنی چی؟ اگر تو احتیاج نداشتی دیگری می‌توانست استفاده بکند، تو حق نداشتی نعمت را ضایع کنی. این‌ها است. حتی در باره بعضی از چیزهای دیگر ما در سیره اولیاء خدا ملاحظه می‌کنیم، یعنی حتی چیزهایی که شاید باورتمان نشود. مثلاً شخص میوه‌ای را خورده دانه آن را ضایع می‌کند، حضرت می‌گویند خب این قابل کشت است، این را می‌شد بکارند از آن بهره دیگری بگیرند، تو حق نداشتی آن را ضایع کنی.

### پرهیز از اسراف، از آداب بندگی است

در این موضوع که جزء ادب بندگی است، یکی از

همه‌اش هست. فرمود یک سفره‌ای با این تنوع و گستردگی مین برای شما فراهم کردم. «کَلُوا وَ اشْرَبُوا» هم بخورید، هم بنوشید، اما اسراف نه، حق اسراف ندارید، یعنی به اندازه، به اندازه نیاز، از آن که رفتید جلوتر می‌شود اسراف «و لَا تُسْرِفُوا».

### خدای متعال مسرفین را دوست نمی‌دارد

این جا بلافاصله یک جمله‌ای آمده که کمرشکن است، خیلی بزرگ است، فکر می‌کنید بالاتر از این عقوبتی هم باشد؟ «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» خدای متعال مسرفین را دوست نمی‌دارد، بدین صورت است.

امام رضا (علیه‌الصلوة والسلام) دیدند یک کسی از دوستانشان که کنارش بودند یک مثلاً میوه‌ای را که حالا نمی‌دانم

جلوه‌های بدیع بندگی در ساحت قدس ربوبی این است که انسان شاکر باشد، شاکر اول باید عارف باشد یعنی عرفان به نعمت داشته باشد، عرفان به منعم داشته باشد و نعمت را مطابق رضای منعم و در محدوده رضای منعم استفاده کند، این می‌شود ادب بندگی. اگر کسی از این حالت خارج شد این می‌شود مسرف، یعنی از آن آداب بندگی خارج شده است، این نقطه مقابلش است که کفران است، کفران پیشگی است. آن وقت یکی از نمونه‌های برجسته‌اش همین اسراف است که کسی مبتلای به اسراف بشود، این چنین است. آن تعبیر که در سوره مبارکه فرقان است، آن جایی که آیات عباد الرحمن هست، یکی از صفات آن‌ها را فرمود «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَ

كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»<sup>۶</sup> فرمود اگر این‌ها را می‌خواهید بشناسید یکی از ویژگی‌های برجسته‌شان این است، این‌ها وقتی خرج می‌کنند اسراف نمی‌کنند. می‌دانید انفاق این جا به معنای هزینه کردن است. وقتی هزینه می‌کنند اسراف نمی‌کنند. از آن طرف سخت‌گیری اضافه هم ندارند «وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» بین این دو این‌ها مستقر هستند، محل استقرارشان در یک محیط میانه‌ای است، نه اسراف نه اقطاع، بدین صورت است. جالب است حتی در کجا؟ حتی در انفاق به معنای خاص، یعنی این چنین نیست که حالا جیب‌شان را باز کنند هرچه در آن هست بدهند برود، فرمود «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ

بنابراین کلیدواژه اسراف، معنای وسیع آن که همان می‌گوییم معنای خاص است، وسیع آن چه قرآنی‌اش، چه روایی‌اش مربوط می‌شود به زیاده‌روی در بهره‌مندی‌ها؛ چه در خوراکی، چه در پوشاک، چه در نوشیدنی، چه در مرکب، چه در لذائذ جنسی علی‌الغرض حلال، در همه این چیزها، حد آن باید رعایت بشود، یعنی طرف حق ندارد اسراف کند. حالا این که ابعاد اسراف چیست، وجوه آن چگونه است، این خودش حالا یک بحث مستقلی است، ما بنا نداریم همه آن مباحث را این جا بخواهیم مطرح کنیم.

### مبحث تقدیر در رزق و تأثیر آن در زیست اقتصادی

در روایتی امام صادق (علیه‌الصلوة والسلام) به جناب ابان می‌فرماید، ابان از اصحابی است که حضرت خیلی او را

مَلُومًا مَحْسُورًا<sup>۷</sup> یعنی نه این طور باشد که کَأَنَّ دَسْتِ تَوْبَةٍ گردنت بسته است «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ»<sup>۸</sup> هیچ کس دست خودش را که به گردنش نمی‌بندد، حکایت از آن بخل است و این حالت امساک. چون کسی که دستش این چنین بسته است هیچ نمی‌تواند پرداخت بکند. فرمود «وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ» نه این که دو دست را ببری به میدان و کلاً باز کنی که هر چه هست برود. نتیجه‌اش هم این می‌شود که آن وقت باید بنشیننی بزنی توی سر خودت و خودت می‌مانی، در کار خودت گرفتار می‌شوی. به اندازه باشد، حتی در انفاق به معنای خاص که رسیدگی به خلق است می‌گوید اندازه نگه داشتن است.

۷ آیه ۲۹ سوره مبارکه اسراء  
۸ همان

به معنای همان قبض است، قبض در برابر بسط است، دست او را ببندد، او را در تنگنا بیندازد، می‌گوید «**ربی اهانن**» خدا به من اهانت کرده است. می‌گوید «**کلا**»، نه این خبرها نیست. تمام این امتحان بود. اما تو اگر می‌خواهی بدانی این را بدان، کل آن که امتحان بود، بسط و قبض آن هر دو امتحان است. اما راجع به این تقدیر، گاهی تقدیر در رزق، تقدیر عقوبتی است. یعنی گاهی انسان وقتی به چالش در زیست اقتصادی‌اش می‌افتد خدای متعال دارد عقوبت می‌کند، همیشه این طور نیست ولی گاهی این چنین است، فرمود یکی‌اش هم این است «**كَلَّا بَلْ لَا تُكْرُمُونَ الْيَتِيمَ \* وَ لَا تَحَاضُونَ عَلٰی طَعَامِ الْمَسْكِينِ \* وَ تَأْكُلُونَ التُّرَاثَ اَكْلًا لَّمًّا \* وَ تَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا حَمًّا**»<sup>۱۱</sup> ریشه این آیات ۱۷ الی ۲۰ سوره مبارکه

دوست دارد. ابان بن تغلب خیلی خوب است. ناب است. حضرت فرمودند خیال کردی که عطای الهی نشانه تکریم است، یا منع آن نشانه اهانت است؟ همین که در سوره فجر هست، در سوره مبارکه فجر می‌گوید وقتی که به آن‌ها ما محبت می‌کنیم به خودشان می‌گیرند، می‌گوید «**رَبِّی اَکْرَمَن**»، «**فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّیْ أَكْرَمَن**»<sup>۹</sup> یعنی با خود می‌گویند به خاطر لیاقت و استحقاق ما بود که خدای متعال این قدر ما را گرامی داشت. بعد نقطه مقابلش «**وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّیْ أَهَانَن**»<sup>۱۰</sup> فرمود هر دو آزمایش است. اگر او را مبتلا کند و سخت بگیرد بر او، در رزقش خدای متعال تقدیر کند، این جا

۹ آیه ۱۵ سوره مبارکه فجر

۱۰ آیه ۱۶ سوره مبارکه فجر

حالا این جا حضرت فرمودند تو خیال کردی که اگر خدای متعال به کسی عطاء کرد این نشانه کرامت است، اگر از کسی منع کرد و کسی را مثلاً در شرایط سخت قرار داد، این نشانه امانت است؟ نه این خبرها نیست. «وَلَكِنَّ الْمَالِ مَالُ اللَّهِ» این مال مربوط به خودش است، مال الله است «يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَدَائِعِ» این یک ودیعه است، یک امانت است که نزد شما است. یعنی آنچه که از مال در اختیار شما هست از انواع و اقسام بهره‌مندی‌ها در اختیار شما هست، این مال الله است، پیش شما امانت است «وَجَوَّزَ لَهُمْ» خدای متعال به این‌ها اجازه داده است، مجازشان کرده است «أَنْ يَأْكُلُوا قِضْدًا وَيَشْرَبُوا قِضْدًا وَيَلْبَسُوا قِضْدًا وَيَنْكِحُوا قِضْدًا» این است،

۱۲ تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۱۳

سختی که برای تو پیش آمده این است، تو بالاخره خودت داری به خودت امانت می‌کنی، خدای متعال تو را تکریم کرده است، اگر هم افتادی درون چالش‌ها و ددرسرها، خیلی وقت‌ها به دلیل رفتار خودت است و عدم مراعاتی است که از ناحیه خودت اتفاق افتاده است، در حالی که خدای متعال کریم است، عالم هم محیط کرامت است، سفره هم سفره کرم است. بله عالم این چنین است. شما خودتان دارید خودتان را به بیچارگی و ددرسر می‌اندازید، چرا این را نسبت می‌دهید به خدای متعال؟ آن اولی هم که نه، آن هم نیست. تو خیال کردی به خاطر استحقاق است؟ نه، خدای متعال از سر استحقاق نداده است، کرم اوست، کرم خودش است، تکریم خودش است.

فجر



فرمود این آدم بخورد حلالش است، بنوشد حلالش است، سوار بشود حلالش است، بهره‌مندی‌هایش همه‌اش حلال است برای او، وقتی به اندازه دارد استفاده می‌کند. ولی اگر از این تجاوز کرد، اسراف کرد، از حد خارج شد «**كَانَ عَلَيْهِ حَرَامًا**» بدین صورت است. مثلاً بگویند حالا چون من دارم پس فلان، نه اصلاً نمی‌شود. پس دارم زیاده از حد بخورم؟ چون دارم زیاده از حد بپوشم؟ چون دارم زیاده از حد مثلاً مرکب بگیرم؟ نه، داشتن دلیل نمی‌شود، فرمود این مال الله است. این مبنایش را حضرت در آن نگرش توحیدی این جا بیان کرده است، فرمود شما باید حواس‌تان همیشه باشد، هرچه که دارید مال الله است، مال خدای متعال است. این باید طبق قاعده الهی هزینه بشود و تو باید خودت را مقید کنی

فرمود خداوند تبارک و تعالی هم به این‌ها این امکان را داده است، این مجوز را داده که به اندازه مصرف کنند. این کلمه «**قَصْدًا**» یعنی چی؟ دقیقاً نقطه مقابل اسراف است، یعنی به اندازه، به اندازه لازم بخورند، به اندازه لازم بپوشند، به اندازه لازم هم سوار بشوند، مرکب داشته باشند، این‌ها است. «**وَ يَعُودُوا بِمَا سَوَى ذَلِكَ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ**»<sup>۱۳</sup> اضافه اگر داشتند آن را بدهند به نیازمندان از مؤمنین، رسیدگی کنند به دیگران، این است. و به این ترتیب گرفتاری‌های آن‌ها را پوشش بدهند، نیازهایشان را برطرف بکنند. اگر این چنین شد، حضرت فرمودند «**كَانَ مَا يَأْكُلُ حَلَالًا وَ يَشْرَبُ حَلَالًا وَ يَرْكَبُ وَ يَنْكِحُ حَلَالًا، وَ مَنْ عَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَامًا**»<sup>۱۴</sup>

۱۳ همان

۱۴ همان

این جهانی دارد. اولین عقوبت این جهانی‌اش عبارت است از تلف شدن مال، عقوبت این جهانی‌اش این است که برکت از زندگی می‌رود، عقوبت این جهانی‌اش ابتلاء به انواع و اقسام بیماری‌ها و مصیبت‌ها است. خیلی از مریضی‌ها مربوط به نوع اسراف در خوردن و آشامیدن‌ها است. حالا غیر از آن جهت این که این مرتکب حرام شد و بعد عقوبت هم خواهد داشت، علی‌العجله در همین دنیا دارد هم عقوبت می‌شود. مجازات این جهانی‌اش رفتن برکت است، اسراف برکت را می‌برد، در این زندگی برکت ندارد. بخور و بریز هست اما در آن برکت نیست، آرامش نیست، احساس راحتی نیست، تشویش است، نگرانی است، این‌ها در آن هست. آشفستگی روانی است. مسرفین گرفتار آشفستگی

که این طبق رضای حضرت حق تبارک و تعالی هزینه بشود، اضافه از این که شد یعنی شما دیگر حق نداشتی، به تو اجازه نداده بوده است، آن جایی که اجازه داده حلالاً، آن جایی که به تو اجازه نداده حراماً. که می‌دانید اسراف بانواعه و اقسامه حرام، براساس نظر کل فقهای ما حرام است. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» اسراف گناه کبیره است.

### عیب ملی ما اسراف است

برادرها و خواهرها؛ جامعه ما به تعبیر دقیق رهبر عزیزمان که یادم هست در یک عید سعید فطری بود، ایشان در روز عید فطر فرمودند ما یک عیب ملی داریم آن هم اسراف است. آقا فرمودند عیب ملی ما اسراف است و باید برای آن یک فکری کرد. چون اسراف عوارض دارد، عقوبت

هستند، این‌ها را بیاورید شما از جهت روانی مطالعه کنید می‌بینید مبتلا هستند. بروید جلوتر بیماری‌های جسمی به انواع و اقسام آن، حاصل اسراف است. عقوبت همین دنیا است، حالا عقوبت می‌شود. بعضی از موارد هم مال‌شان تلف می‌شود، گرفتار اتلاف می‌شوند، اسراف گاهی وقت‌ها نتیجه‌اش اتلاف است که به سرشان می‌آید. و هکذا، به قول طلبه‌ها فعلل و تفعّل، این را همین طور بگیرید و بشمارید، خیلی چیز عجیبی است. شما حساب کنید بهترین نعمتش را خدای متعال به ما داده است، همین نفت و گاز، خیلی نعمت بزرگی است، یک ملتی از آن بهره‌مند باشند. شیوه مصرف ما مسرفانه است، یکی از محصولاتش، عقوبت‌هایش می‌شود همین هوای آلوده‌ای

که دارد مردم را خفه می‌کند. این همین اسراف است. یعنی نعمت را ما درست استفاده نمی‌کنیم. یک وقتی انسان محاسبه می‌کند می‌بیند ما در این قصه رفتاری‌هایمان زیاد است. البته ریشه‌هایش، ریشه‌های ساختاری‌اش، در ساختار اقتصاد ما، در ساختار زندگی ما، خیلی داستان دارد. حالا اگر مثلاً گاز با قیمت مثلاً ارزان‌گیرت آمد یعنی باید همین جور بسوزانی؟ برق ارزان‌گیرت آمد همین جور، بنزین ارزان‌گیرت آمد حالا همین طور؟ مانی‌اش هم از انفال است. مگر ما حق داریم؟ حالا به پیچیدگی این گاز از آن‌چاه‌ها استحاصل می‌شود و بعد با چه زحمتی، با چه هزینه‌های شگفت‌انگیزی در این لوله‌ها، چه لوله‌های اصلی، در شاه لوله‌ها، چه آن لوله‌های فرعی بیاید تا برسد

شما محاسبه می‌کنند. قیمت ثابت ندارد، قیمت شناور است. همان وقت به شما نشان می‌دهد، همان وقت با شما محاسبه می‌کند. روشی است برای خودش، آن وقت قیمت ماشین‌ها همه براساس سوخت بنزین است. هرچه کم‌مصرف‌تر باشد ماشین قیمتی‌تر است. اصلاً یک دقت‌های عجیبی دارند، در برق همین‌طور، در گرما همین‌طور. الان همین چند دقیقه پیش وقت نماز ما آمدیم این‌جا نماز خواندیم، خیلی گرم بود. یعنی شاید مثلاً حدود سی درجه بود. هیجده درجه با لباس کجا، که هنوز این‌جا هیجده درجه نیست، این‌جا الان حدود بیست و دو سه درجه است. هیجده درجه کجا، مثلاً سی درجه، سی و دو درجه کجا. در مسجد می‌روی این‌جور، در خانه یک عادت

به منزل ما، چقدر باید در این مسیر فشار افزایشی کنند تا این برسد به ما، دو هزار کیلومتر، سه هزار کیلومتر، خیلی چیز عجیبی است، بعد ما همین‌طور روشن می‌کنیم. دیدید زیر کتری روشن می‌کنیم همین‌طور می‌جوشد. این در زندگی همه‌مان هست، اصلاً انگار نه انگار. این لحظه لحظه‌اش ما داریم مرتکب اسراف می‌شویم، داریم اسراف می‌کنیم. حالا بعضی‌ها می‌گویند برای این که جلوی اسراف گرفته بشود حتماً باید قیمت‌ها واقعی بشود، نمی‌دانم اگر گران باشد که انجام نمی‌دهند. مثال هم می‌زنند از همین کشورهای دیگر و امثال این‌ها. خود من دیدم روی قطره بنزین محاسبه می‌کند، روی قطره‌اش. در آن مانیتور و نشانگری هم که در تمام پمپ بنزین‌ها هست به لحظه با

عجیب و غریب. حالا این‌ها اصلاحش خیلی کار دارد، این را بنده به آن توجه دارم، الان هم نمی‌خواهم اصلاً وارد این بحث بشوم، اصلاحش خیلی کار دارد، یک بخش عمده‌ای از آن وظیفه مسئولین است، یک بخش عمده‌ای از آن وظیفه مدیران ما است، طراحی‌هایشان، ساختارها باید اصلاح بشود، خیلی کار دارد. ولی یک بخش بسیار جدی و مهم و حیاتی‌اش فرهنگ و تربیت و اخلاق است.

### اسراف گناه کبیره است

حالا بگذارید این خاطره را هم بگویم، چون حالا این را همه ما مبتلا هستیم، همه که می‌گوییم حالا دور از جان خیلی از شماها، می‌گوییم یعنی عموماً ما مبتلا هستیم. یکی از حضرات که شاید اسم شریفش را هم شنیده باشید؛ آقای

نعیم‌آبادی، ایشان سال‌ها امام جمعه بندرعباس بودند، مرد بسیار نازنین و شریفی است. اکنون قم تشریف دارند و ان شاءالله خدا به ایشان عافیت بدهد. آقای نعیم‌آبادی ما یکی از اخلاقیات حسنه‌شان، یک خلق بسیار جالبی که ایشان دارد، این است که ایشان روی اسراف در سفره به معنای دقیق کلمه حساس است و با هیچ کسی هم تعارف ندارد، با احدی تعارف ندارد، با هیچ کس. خاطریم هست یک جلسه‌ای بود، ضیافتی بود که آن جا ایشان هم تشریف داشتند، یک جمعی از آقایان هم تشریف داشتند، سفره انداختند، غذا خوردند بعد یک دفعه ایشان بلند شدند، گفتند آقا کجا دارید می‌روید؟ گفت هر ظرفی از ظرف‌هایی که جلوی شما است یا باید غذای باقیمانده خودتان را

ما میهمان ایشان بودیم، این اخلاق ایشان را من می دانستم، آن کسی که با ما همراه بود این را نمی دانست. ما نشسته بودیم، اتفاقاً خود ایشان هم میزبان بود. آن جای اول ایشان میزبان نبودند که آن طور برخورد کردند، بعضی ها هم به آن ها برخورد، ولی خب اکثراً حق دادند گفتند حرف حساب است، باید رعایت کرد. حالا شما حساب کنید در مهمانی های ما، در رستوران های ما، وای وای، چه می شود از واقعاً اسراف و از نابود کردن نعمت های الهی، انسان دیوانه می شود. چطور ما حق می دهیم به خودمان، مجلسی که در آن اسراف می شود، مجلس گناه است، مجلس معصیت است، آن سفره مورد بغض حضرت حق است. این چنین است. خلاصه اما این مورد دوم نه،

ببرید یا باید بخورید، و السلام. بعضی ها هم ناراحت شدند، گفت مهم نیست، این اسراف است، اسراف گناه کبیره است، مگر ما حق داریم. این قدر ما در این بخش عجیب و غریب هستیم. بعد ایشان به خاطر آن حساسیتش نشسته محاسبه کرده است، می گوید خدای متعال شاهد است اگر ملت ما در سفره های شان امر الهی را در منع اسراف عمل کنند کشور ما مستغنی می شود، در بعضی از اقلام که ما الان نیاز داریم می رویم واردات می کنیم، می گوید هیچ نیازی به واردات نخواهیم داشت. روی دانه برنج ایشان حساب کرده بود، یعنی شما حق ندارید یک دانه برنج بیاندازید کنار، یعنی چی؟ می گفت یا باید بخورید یا باید ببرید. حالا این خاطره های شیرین هم دارد، چون یک روز هم

گفت شما چرا دست زدی؟  
گفت البته من به شما بگویم  
شما اگر تشریف ببرید من  
شخصاً این نیم خورده شما  
را با افتخار می‌خورم، گفت  
انجام می‌دهم، گفت مکرر  
پیش آمده است. گفت سوز  
مؤمن است، یک مؤمنی این  
جا بالاخره غذا میل کرده  
باقی‌اش مانده است، می‌گوید  
من به نیت شفا غذای شما  
را می‌خورم. ولی می‌خواهم  
بگویم شما چرا این چنین  
کردی؟ پس این معلوم  
می‌شود عادت شما است.  
جای دیگر هم داری همین  
کار را می‌کنی، این درست  
نیست. همراه من گفت خب  
حالا چه کار کنم حاج آقا؟  
گفت یا باید نیم خورده شما  
را من بخورم، یا خودت باید  
بخوری تا آخرش، یا باید  
بیری. گفت اگر الان من بیرم  
کجا بیرم؟ حاج آقا میهمان

خود ایشان میزبان بودند، این  
دوست ما هم کنار من نشسته  
بود. ما که شروع کردیم من  
حواسم بود، مثلاً فرض کنید  
که از این آش گذاشته من این  
ظرفی که هست نمی‌توانم  
بخورم اصلاً دست نازدم. این  
رفیق ما حواسش نبود به نظرم  
صبحانه هم بود، یک خورده  
از این آش خورد بعد دیگر  
مثلاً نان و پنیر خورد و فلان  
و این‌ها، قصه تمام که شد،  
ایشان با همان بالاخره ادبیات  
خاص خودش برگشت به این  
آقا گفت: آقا! همراه من پاسخ  
داد: جانم حاج آقا؟ گفت: چرا  
نمی‌خوری؟ گفت: حاج آقا  
سیر شدم، گفت: پس بی‌خود  
کردی دست زدی به آن! باید  
به اندازه‌ای که می‌خواستی  
بخوری برمی‌داشتی، با همین  
صراحت. اعجب من ذلک  
این بود، روی سفره خودش  
بود، خودش میزبان بود،

اقتداء کرد. این تبدیل شده به یک عیب ملی. آن وقت در برق‌مان این چنین هستیم، در گرما این طوری هستیم، در پوشاک این مدلی هستیم، در مرکب، این زیاده‌روی‌هایی که مشاهده می‌فرمایید هست.

البته یک روایت داریم آن هم جالب است، یعنی آن از آن طرف نمی‌خواهیم بیفتیم، اندازه نگه داریم و نعمت را از بین نبریم، ضایع نکنیم. حالا یک روایت دارد می‌گوید که خب اگر یک کسی مثلاً لباس‌های متعدد داشته باشد آیا این اسراف است؟ حضرت فرمودند نه، اگر شأنش باشد و درست استفاده کند که اسراف نیست، یک کسی مثلاً شأنش است که پنج دست لباس داشته باشد و از این‌ها یکی برای گرما است، یکی برای سرما است، یکی برای مهمانی است، یکی برای

هستم، الان می‌روم سر یک جلسه و کار. گفت این‌ها را دیگر من نمی‌دانم ولی راه نجات شما این است که من می‌خورم و این جا نگه می‌دارم نمی‌گذارم اسراف بشود. ببینید مسأله این است.

حالا من بعد از این، سر خیلی از سفره‌ها که حالا مثلاً جلساتی هست، برنامه‌ای هست، به دوستان تذکر دادم خیلی‌ها هم متأسفانه رعایت نمی‌کنند، اصلاً برای ما عادت شده است. یعنی خیلی راحت ما مرتکب این گناه کبیره می‌شویم. حالا بعد دو سه نفر آن جا در آن جلسه بودند گفت آقا اگر شما بالاخره روی این کار اصرار کنی که کردی یا تکرارش کنی که دیگر نمی‌شود پشت سر شما نماز خواند، از عدالت ساقط می‌شوی، رفت تا این جاها، گفت دیگر نمی‌شود به شما



کن، حصن یعنی آن را نگاه‌دار از این که تلف بشود.

بنابراین یکی از عوامل اتلاف، اسراف است. خود همان اسراف باعث اتلاف می‌شود؛ اتلاف انرژی هست، اتلاف نان هست، اتلاف گندم هست، اتلاف برنج هست. به خاطر اسراف، اتلاف گوشت هست، همه‌اش اتلاف است؛ گرما، سرما، هرچه.

ان شاءالله خدای متعال به ما کمک کند، مبتلا هستیم و اخیراً بحث همین ناترازی و این چیزها را که مطرح کردند، هست که بالاخره احتمالاً ما در ارتباط با گاز مثلاً اگر مراعات نشود کم می‌آوریم. البته یکی از کارهای خوبی که کردند این بود که گاز ویلاها را قطع کردند، این خیلی عجیب است، طرف یک ماه در سال از آن ویلای کذایی‌اش می‌رود استفاده می‌کند، یک ماه، در

کار است، متناسب با این، از هر کدام استفاده می‌کند. درست فرمودند این اسراف نیست. چون ایشان باید برنامه زندگی‌اش را این طور تنظیم کند، این اسراف نیست. آن جایی که شما نعمت را ضایع می‌کنید و از حد خودت تجاوز می‌کنی می‌شود اسراف.

### اخلاق مصرف ما باید مطابق با قواعد الهی باشد

در هر صورت این جا حضرت فرمودند «وَأَمْنَعْنِي مِنَ السَّرْفِ، وَحَصَّنَ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ»<sup>۱۵</sup> حالا بعضی از اهل دقت می‌گویند که این جمله دوم پیوسته جمله اول است، این جا که حضرت می‌گویند «حَصَّنَ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ» رزق من را از تلف، از این که تلف بشود تحصین

۱۵ فرازی از دعای بیستم صحیفه مبارکه سجادیه

اِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ...»<sup>۱۶</sup> این‌ها همه‌اش با هم می‌شود. بعد در روایت دارد که اگر خدای متعال یک وقت نسبت به یک قومی بدشان را بخواهد، این خوشگذرانان علیه ما علیه فرصت پیدا می‌کنند و از قواعد الهی خارج می‌شوند می‌افتند درون دام این زندگی‌های آن‌چنانی و به همین ترتیب مقدمات فروپاشی آن جامعه فراهم می‌شود. چون آن‌ها وقتی دست‌شان باز می‌شود بی‌عدالتی می‌شود، بی‌عدالتی همه باعث فروپاشی می‌شود و یک عده نمی‌دانند از بس دارند چگونه بخورند، یک عده هم نمی‌دانند از بس ندارند چگونه زنده بمانند. در هر صورت این‌ها با همدیگر است؛ اسراف، تبذیر، اتراف. انسان وقتی باب مترفین را در قرآن می‌خواند خیلی تکان

کل سال، حداکثرش می‌شود یک ماه، بعد به خاطر آن یک ماه از جمله باید در کل زمستان آن جا گرم باشد، از جمله که آن جا استخر دارد استخرش هم باید آبش مثلاً گرم باشد که آقا می‌رود آن جا باید همه چیزهایش آماده باشد. کار درستی کردند این را گفتند، اگر این را انجام داده باشند که گفتند ما قطع کردیم، شناسایی کردیم، جایی که در آن زندگی نمی‌شود، اگر قطع کردند واقعاً کار درستی است، این که دیگر ثروت ملی است.

آن وقت این اسراف با کلیدواژه اتراف، اتراف یعنی همین مترفین، خوشگذران‌های شادخوار، این‌ها با هم وصل می‌شود و به یک کلیدواژه دیگری هم متصل می‌شود به نیام تبذیر، که فرمود: «إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا

دهنده است. به هر حال اخیراً که این را مطرح می‌کردند، به نظرم آقای رئیس جمهور بود که می‌گفت ما یک تدابیری داریم ان شاءالله سال آینده این چنین نخواهد شد. منظورشان از تدابیر این است که می‌خواهند بعضی از انرژی‌های مثلاً جدید را تقویت کنند، مثل همین انرژی خورشیدی، انرژی پاک و امثال این‌ها را احتمالاً یا بعضی از اقدامات، زیرساخت‌هایی را تقویت کنند، احتمالاً یک فازهای جدیدی از این پالایشگاه‌ها را مثلاً توسعه بدهند، کارهای خیلی خوبی است. حتماً ان شاءالله این کارها را انجام بدهند. تمام این‌ها به جای خودش خوب است. اما جهت استحضارتان هیچ کدام از این‌ها مشکل سال آینده و سال‌های آینده ما را حل نمی‌کند، تا اخلاق ما این باشد و تا ساختارهای

ما معیوب باشد. اصلاً نمی‌تواند حل کند. ما ستاره خلیج فارس را ساختیم که از افتخارات جمهوری اسلامی است، اصلاً در باره‌اش باید چند جلسه صحبت کرد، من آن‌جا را از نزدیک دیدم، این ستاره خلیج فارس واقعاً افتخار است، دیدنی است. بعد در آن جا خودمان صاحب فناوری تولید بنزین شدیم، بنزین‌مان هم از جهت خلوص هم‌تراز با بنزین‌های درجه یک جهان است، خود بچه‌های انقلاب موفق شدند به یک چنین افتخار بزرگی نائل شدند، ما شدیم صادر کننده بنزین، جمهوری اسلامی شد صادر کننده، ولی طولی نگذشت که متأسفانه ما تبدیل شدیم به وارد کننده بنزین. منظور این که، این که شما بیاید، حالا ستاره دو، ستاره سه هم درست کنید، فایده‌ای ندارد. تا اخلاق

فیض حکمت است، هر دفعه ایشان در این جلساتی که دارند، ارائه‌هایی که به مناسبت‌ها دارند، بعد انسان هر دفعه احساس می‌کند این قله است، مثلاً می‌گویید به‌به این دیگر آخرش بود، از این بارش حکمت‌ها، بعد می‌بینید دفعه بعد الحمدلله

یک ارتفاع بیشتر، از جمله همین سخنرانی روز گذشته در جمع مداح‌ها، بله، خیلی پرحرکت و پرنکته و عالی و جامع است. یعنی بینا و بین الله تمام سرخط‌های اصلی تحلیلی که جامعه ما نیاز دارد با این زاویه مسائل داخلی، منطقه‌ای و جبهه مقاومت همه را تحلیل کند، آقا گفتند.

باید خوب شنید و نوشید و در ضمنش هم حرف‌های آبداری هم زدند به آن کسانی که باید بگویند. واقعاً آن جملات همه جوره عالی بود. دقت

ما، اخلاق مصرف ما مطابق با قواعد الهی و شرعی نباشد ما از این گرفتاری‌ها نجات پیدا نمی‌کنیم. از این آشفتگی هر روز حال‌مان بدتر خواهد شد. این‌ها باید هم‌زمان درست بشود، این از موضوعاتی است که باید تأکید بشود.

### رهبری؛ از تجلیات ویژه‌ی کوثر فاطمی در زمانه ما

من مدام یاد آن جمله حضرت آیت‌الله نوری همدانی می‌افتم، یادتان هست در آن فتنه ۸۸ می‌گفت خامنه‌ای کوثر است، ایشان این را آن زمان گفت، اصلاً این شعار ایشان بود. ایشان شعار دادند دشمن او ابتر است، بعد هم این دیگر افتاد سر زبان بچه‌های مؤمن. واقعاً جلوه کوثر فاطمی، یکی از تجلیات ویژه‌اش در زمانه ما وجود نازنین ایشان است، حالا از جمله این

هم فرمودید که روی کلمات، ایشان محاسبه کرده است و صحبت می‌کند. کلمه‌ها حساب دارد. این که مراجعه می‌کنند، نگاه می‌کنند، دیدید این کلمه حساب شده است، این است که حکمت است و این است که ماندگار است و این است که می‌شود شما به آن تکیه کنید؛ الحمدلله.

غرض رفقا قدر بدانند و مراجعه کنند، دوباره بخوانند، بعد بشنوند، استفاده کنند، دریافت کنند. مخصوصاً جوان‌های ما با این منظومه فکری پربهجت که مستظهر به آیات الهی است، مستظهر به سنت‌های الهی، مستظهر به قوایم فقه، مستظهر به قوایم حکمت است، مبانی‌اش قویم، استوار است، با این‌ها ذهن خودشان را بسازند، زاویه دید خودشان را اصلاح کنند. شما ببینید اصلاً دو تا عالم

است، دیگران تحلیل می‌کنند می‌شود ایران ضعیف، آقا تحلیل می‌کند می‌شود ایران قوی. دیگران تحلیل می‌کنند همه چیز را تهدید می‌بینند، ایشان تحلیل می‌کند بسیاری را فرصت می‌بیند، حتی از دل تهدیدها، اصلاً نگاه متفاوت است. واقعه سوریه را ببینید که آقا چگونه تحلیل می‌کنند، دیگران چگونه، حتی بعضی از خوبان مثلاً چگونه تحلیل می‌کنند، واقعاً متفاوت است. از نگاه ایشان می‌بینید چه امیدی تراوش می‌کند، چه این انرژی بی‌پایان، چه احساس خوب، این دفعه فرمودند پیش‌بینی می‌کنم. از این کلمه استفاده کردند. گفتم آقا شما خیال نکنید آقا پیش‌بینی می‌کنند، پیش‌بینی‌شان یا بشارت‌هایی که در آن جلسه قبلی داده بودند این‌ها مثلاً غیبی و این چیزها است، البته فراست مؤمن به

\* إِنَّ شَانِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ.

«إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَجَاكَ وَ  
بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ  
وَ الْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءَ  
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغَنَاءِ وَ  
الشَّرْوَةِ وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ  
وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَ الصَّحَّةِ  
وَ عَلَيَّ أَحْيَاءَ الْمُؤْمِنِينَ وَ  
الْمُؤْمِنَاتِ بِاللِّطْفِ وَ الْكِرَمِ  
وَ عَلَيَّ أَمْوَاتَ الْمُؤْمِنِينَ وَ  
الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ  
وَ عَلَيَّ غُرَبَاءَ الْمُؤْمِنِينَ وَ  
الْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ  
سَالِمِينَ غَانِمِينَ بِمَحَمَّدٍ وَ آلِهِ  
أَجْمَعِينَ. وَ صَلَّى اللهُ عَلَيَّ  
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.»

«اللهم صل على محمد و آل محمد.»

جای خودش محفوظ است،  
فرمود «فإنه ينظر بنور الله»  
ایشان هم از مصادیق مؤمن  
است، آن هم اکملهم، این  
که به جای خودش محفوظ  
است. ولی واقعا مبتنی بر  
قواعد حکمت است، دیدید  
ایشان خیلی وقتها دلایل  
بشارتها و پیشبینیهایشان  
را هم مطرح می کنند، حالا  
دیگر خیزش جوانان سوریه  
است، ان شاء الله که آن اتفاق  
بافتد. فرمودند ممکن است  
دیر یا زود بشود ولی ان شاء  
الله این خواهد شد و این منطقه  
هم به جبهه مقاومت برخواهد  
گشت ان شاء الله الرحمن.

سالروز ولادت حضرت زهراء  
سالروز ولادت امام راحل  
مؤسس عظیم الشأن هم  
هست که او هم از جلوه های  
بديع کوثر در زمانه ما  
است. «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ  
\* فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ





افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰  
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر